بازگشت همه بسوی اوست
« قرآن مجید »

بیاد
چهلمین روز درگذشت استاد

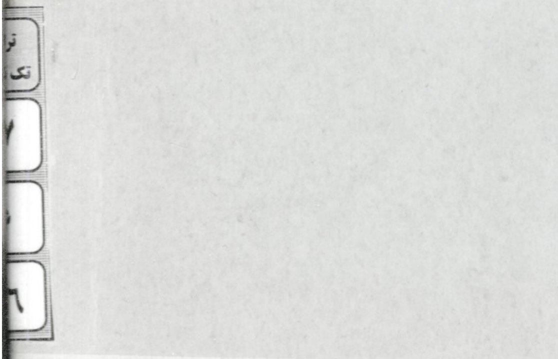
زندگینامهٔ
علامهٔ فقید مفسر شهیر قرآن مجید
شادروان

آقای حاج میرزا یوسف شعار

(اعلی‌اه مقامه)

مرگ اگر مرد است گو نزد من آی
تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
من از او جانی ستانم جاودان
او زمن دلقی رباید رنگ رنگ

مجلس تفسیر تبریز ـ خرداد ماه ۱۳۵۱



بیـاد

چهلمین روز درگذشت استاد

فضل الله المجاهدین باموالهم
وانفسهم علی القاعدین درجة
« نساء - ۹۵ »

زندگینامهٔ

علامهٔ فقید مفسر شهیر قرآن مجید

شادروان

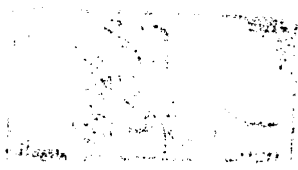
حضرت آقای حاج میرزا یوسف شعار

(اعلی‌اله مقامه)



مرگ اگر مرد است گو نزد من‌آی
تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
من از او جانی ستانم جـاودان
او زمن دلقی رباید رنگ رنگ

مجلس تفسیر تبریز - خرداد ماه ۱۳۵۱



مشخصات این کتاب بشمارهٔ ۱۶۳ ـ ۵۱/۳/۱۳ در دفاتر مخصوص
ادارهٔ کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی ثبت شده است
چاپ شفق ـ تبریز



پیکرهٔ استاد که بسال (۱۳۳۹ شمسی) برداشته شده است

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه ...»
(احزاب ـ ۳۳)

(از گروندگان مردانی هستند که به پیمانی که باخدای خود بستند
راست گفتند)

بسم الله الرحمن الرحیم

« دوستان و علاقه‌مندان !

مرد راه حق ، عالم مجاهد ، مفسر شهیر و محقق ارجمند

حضرت آقای حاج یوسف شعار (اعلی‌اه مقامه)

که یك عمر در راه تنویر افکار و ترویج حقائق اسلام و تفهیم تعالیم‌عالیهٔ قرآن مجید قدمهای مثبت و تلاش پی‌گیرداشت دعوت حق را اجابت‌کرد و به سرای جاودان شتافت .

یادگار و بازماندهٔ کوششهای صادقانهٔ استاد بزرگوار علاوه بر آثار و تألیفات ارزنده ، هزاران‌تن صاحبنظران وروشن بینانی هستندکه با الهام و کسب فیض از استاد دلهای روشن به اسلام و قرآن دارند ... »

اینها گوشه‌ای از متن اعلانی بود که چهل روز قبل وجوه طبقات یا بهترگوئیم گروهی از دوستان و ارادتمندان استاد بزرگوار ، جامعهٔ حق شناس تبریز را بشرکت در ماتم علم و عزای دانش فرا خوانده بود .

رئیس کانون وکلاء ، قضات و رؤسای دادگاهها، استادان دانشگاه، وکلای‌دادگستری، پزشکان،فرهنگیان، دبیران وآموزگاران،دانشجویان، کارمندان عالیرتبهٔ ادارات ، سردفتران، بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران

بعبارت دیگر روشن بینان و بیدار دلان از هرصنف و طبقه جزء گروه عزادار، دعوتنامه را امضاء کرده بودند.

ارجداران وسوکوارن استاد تنها این‌گروه نبودند بیش از ده‌گونه آگهی ترحیم منتشره از طرف :

خانواده‌ها ، مجلس تفسیرتبریز، استادان دانشگاه‌تبریز، جمعیت شیروخورشید سرخ تبریز، کارخانهٔ تراکتورسازی، دانشسرای راهنمائی تحصیلی و مقدماتی ، دبیرستانهای : دهخدا ، دهقان ولقمان .

نمایندهٔ مراتب حق‌شناسی جامعهٔ سپاسگزار تبریز از رادمردی بود که تمام زندگی خود را برایگان در راه تعلیم وتربیت فرزندان این آب و خاك برطبق اخلاص نهاد و بجامعهٔ اسلامی نثار کرد .

مردم وفادار و روشن‌بین تبریز امروز بعزای استاد کمر بسته‌بود تا پاسخگوی فداکاری و تلاشهای رادمرد پاکباز باشند .

این تأثرنامه‌ها نمایشگر رویداد ناگوار وپرده بردار این راز بود که چهرهٔ تابناکی روی در نقاب خاك کشید و بجهان ابد پیوست .

جلوه گاه حقیقت

هنوز یك ساعت بگاه یاد شده در آگهی ترحیم میماند که شارع و میدان مقصودیّه موجی از مردم بود و گذرگاه آن جلوهٔ اندوهبار و شکوهمند داشت .

طبقات مردم گروه گروه وارد خانهٔ خدا می‌شدند وبخلاف تمنای دل ، پس از چند لحظه ناچار جای پا بدیگران میدادند تا همدردان

آنان نیز چند دقیقه در ماتم فرو روند و فاتحه‌ای اهداءِ نمایند.

زیاد بودند افرادی‌که مجال ماندن و جای نشستن نیافتند و از یکسو بمسجد وارد و از آنسو بیرون رفتند. گروه زیادی از دوستان و علاقه‌مندان که هوای رفتن و جای ماندن نداشتند در خارج‌مسجد صف بسته و عده‌ای از علمای اعلام و مجتهدین بزرگوار تبریز از نقاط دور شهر برای تجلیل فدائی اسلام و قرآن درمجلس‌ختم حضور یافته‌بودند.

هزار و چهار صد سال قبل وقتی مردم گروه گروه باسلام روی آوردند ونفوذ قرآن بالاگرفت **نزول‌سورهٔ نصر** چشمان برخی ازیاران گرامی پیامبر رحمت را اشکبارکرد زیرا مضمون سوره نشان میدادکه اسلام ریشه گرفته و وظیفهٔ نبوّت بپایان رسیده فلذا **محمد** (ص) باید برفیق اعلا و جنت مأوی به پیوندد.

چهارده قرن بعد نیز مسلمانان روشندل فوج فوج برای اهدای درود به مجلس ختم سربازمجاهد قرآن شتافته‌بودند تا ثابت شودکه‌حق جای خود را گرفته وقرآن مهجور بآغوش مسلمانان بینا بازگشته است.

مجلس ختم تهران

علمای اعلام، سناتورها، نمایندگان تبریز در مجلسین سنا و شورای ملی، بنگاه کل داروئی ایران، دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی، دانشسرای عالی، شرکت تهران لعاب، شاگردان و علاقه‌مندان استاد که سیماهای برجستهٔ‌علمی وفرهنگی‌کشوربشمارند دعوت‌کنندگان وتشکیل دهندگان مجلس ترحیم استاد بزرگوار در تهران بودند.

گردآمد مسجد ارك و تجليل و تفخيم از مقام علمی و مجاهدت علامهٔ فقید مصداق این آیه را محقق و برملاکرده بود :

يرفع الله الذين آمنوا منكم والـذين اوتوا العلم درجـات
« مجادله-۱۳ »

آری خدای بزرگ به باورگران دانشوربرتری‌ها بخشیده است.

چند و چون

مساجد خدا هرروز مجالس یادبود درگذشتگان را درآغوش‌دارد بااینکه مجالس ختم‌استاد ازلحاظ کمیّت وازدحام یکی ازکم‌مانندترین مجالس برگزار شده در سالهای اخیر بشمار میرفت، جنبهٔ چونی‌آن‌نیز بسیار جالب و شکوفان بود و این یکی از نوادر و شاهکار رویدادهاست که‌گونگی چندی با چونی هم‌آهنگ و سازگار آید .

کوتاه کلام گردآیندگان مسجد بسان پذیراگران ، دانشوران و روشندلان‌بودند قیافه‌های مردانه و باوقار ازهرگوشهٔ شهر به‌بزرگداشت دانشمند مجاهد شتافته بودند تا آیاتی چند ازکلام تابناك حق را بروان پاك آن بزرگ مرد اهداء کنند .

آیات کتابی‌که بیش از نیم قرن ، نور بخش دل صاف و الهام ده فکر رسای استاد بود .

چه خوش آمده دربارهٔ پیوند دلها و دلبستگیها :

ذره ذره کانـدرین ارض و سماست
جنس‌خودرا همچوکاه وکهرباست

تجلیل و همدردی جرائد کشور

جرائدکشور مخصوصاً (**کیهان واطلاعات**) نیز بنوبهٔ خود با گراور و چاپ عکس استاد فقید تجلیل شایسته‌ای از مقام علمی آن بزرگوار بعمل آوردندکه ضمن اظهار سپاس و قدردانی متن آنها از نظر خوانندگان محترم میگذرد :

اطلاعات ، شماره ۱۳۷۹۳ بتاریخ ۱۳۵۱/۲/۲۱ :

« تبریز : حاج یوسف شعار فرزند مرحوم حاج عبدالستار شعار مفسّر قرآن مجید پس از ۴۷ سال تلاش در راه تفسیرقرآن ودائرکردن دو مرکز تفسیر در تهران و تبریز در بیمارستان مهرتهران براثر عارضهٔ قلبی درگذشت و درگورستان بهشت زهراء بخاك سپرده‌شد . مرحوم‌حاج یوسف شعار پس از دائر کردن مرکز تفسیر قرآن در تبریز به تهران آمد و در آنجا نیز یك مرکز تفسیر قرآن دائر نمود . تألیفات مرحوم یوسف شعار عبارت است از[1] ... »

کیهان ، شماره ۸۶۵۰ بتاریخ ۱۳۵۱/۲/۲۶ :

« **درگذشت یك شخصیت** - آقای‌حاج یوسف‌شعاریکی ازدانشمندان مذهبی تبریز درگذشت ، مرگ این مرد موجب تألم و تأثر اهالی تبریز گردید زیرا متوفّی از نیکو مردان این شهر بود . حاج شعار در سال ۱۳۰۴ شمسی برای اولین بار در تبریز مجلس تفسیر قرآن دائرنمود و یکی از استادان مسلّم تفسیر شناخته میشد. از تألیفات این‌دانشمند[2] ...

---

۱ و۲ـ تألیفات استاد فقید در صفحات بعد ذکر شده است .

را میتوان نام برد. کیهان درگذشت فقید سعید حاج یوسف شعار مفسّر عالیقدر قرآن را بجامعهٔ اسلامی وخاندان آن مرحوم تسلیت میگوید . »

تلگرام و نامه‌های تسلیت که از علمای اعلام و طبقات مختلف مردم و علاقه‌مندان رسیده همگی حاکی از تأثّر و تأسّف روشنفکران اسلامی از ضایعهٔ درگذشت مصلح بزرگ و مجاهد اسلام است که باکمال خلوص در راه وحدت اسلامی گام برمیداشت .

بجاست‌متن‌سپاسگزاری‌خاندان‌استادرا از نیکمردی‌و بزرگواریهای شرکت‌کنندگان در مراسم ختم استاد فقیدکه در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان چات شده ذیلا درج نمائیم :

« ازعلمای اعلام، سناتورها، نمایندگان مجلس شورای‌ملی، استادان دانشگاه ، دانشجویان،بازرگانان وکسبه،کارمندان،دوستان وخویشاوندان ارجمندکه بمناسبت درگذشت‌علامهٔ فقید مفسرشهیر قرآن مجید حضرت مستطاب حاج میرزا یوسف شعار با شرکت در مراسم تشییع وحضور در مجالس ختم تهران وتبریز وارسال تلگرام ونامه ودرج تسلیت درروزنامه مراتب همدردی واحساس‌بی‌شائبه‌را مبذول‌داشته‌اندبی‌نهایت سپاسگزاریم و از تشکر حضوری بسبب تألمات روحی پوزش خواسته توفیق همهٔ ذوات محترم را ازدرگاه خدای بزرگ مسألت داریم .

خاندان شعار و خانواده‌های وابسته »

پایان و آغاز

اینك‌که جریان پایان حیات شرافتمندانهٔ استاد را دیدیم به‌آغاز زندگینامهٔ او برگردیم :

علامهٔ فقید مفسر عالیقدر، دانشمند ربّانی آقای حاج میرزا یوسف شعار (اعلی‌اه مقامه) فرزند مرحوم حاج عبدالستّار در ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۲۰ هجری قمری برابر با ۱۲۸۱ شمسی درشهرتبریز بدنیاآمد[۱].

مقدمات زبان فارسی وصرف نحوعربی‌را درمدرسهٔ **(اتحاد)** تبریز فراگرفت دربیست سالگی به‌مدرسهٔ علوم‌دینی **(طالبیه و جعفریه)** رفت و به تحصیل علوم فقه و اصول و معانی وبیان پرداخت دراین ضمن برخی ازمواد علوم دینی را درهمانجا تدریس می‌کرد .

ازبحث‌هائی‌که‌گاه‌گاه بین بعضی ازطلاب فاضل در پیرامون مطالب قرآن میگرفت به‌عظمت این‌کتاب وبیکرانی دریای حقیقت‌آن پی‌برد . این جرعه‌های گذرا روان تشنهٔ او را با سرچشمهٔ صاف و گوارای کلام آفریدگار آشنا ساخت و چنین بود که دریافت که اساس درس و بحثش باید قرآن مجید باشد و هرنوع‌کوشش ونگرش وپژوهش را درمورد این آفتاب حقیقت مصروف دارد . آنچه بیشتر ازهمه مایهٔ‌کشش استاد بسوی قرآن‌گردید این بودکه میدید مسلمانان ازهردسته وفرقه بااینکه کتاب

۱ــ مرحوم حاج عبدالستار شعار دو پسر دیگری داشت بنام مرحوم حاج محمد شعار و حاج علی‌اکبر شعارکه از مردان خیر و نیکوکار تبریز بودند واین دو برادر بزرگ، همواره مرحوم‌آقای حاج‌یوسف شعاررا درادامهٔ تحصیلات و تحقیقات همراهی و یاری‌کرده‌اند .

خدا را برچشم و سردارند ولی از تعالیم و دستورهای عالی آن بیگانه هستند ازجنبهٔحیات اجتماعی‌بجای وارستگیها ، دوربینیها وژرف‌اندیشها گریبانگیر دسته‌بندیها وکینه‌توزیهاگشته‌اند .

آیا مگر همین قرآن نبودکه با فرمان : «**واعتصموا بحبل‌الله جمیعاً ولاتفرقوا....**»[1](همگی بریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید) طومار نفاق و شقاق را در نوردید و امّتی پایدار و آهنین پدید آورد ؟ آری این آیهٔ آسمانی نویدبخش نعمت برادری و یگانگی برای باورگرانی بودکه بقرآن چنگ زدند و با راهبری‌آن بماوراء دریاها و بیابانها شتافتند و جهانگشای‌کشورها و دلها گردیده و از پرتگاه سوزان پراکندگی ودشمنی رها شدند ، این بود سرنوشت پدران ، ولی فرزندان، درست درجهت خلاف‌گذشتگان قوس‌نزول زبونی وناتوانی را می‌پیمایند.

بررسی در پیرامون این مشکل استاد را در مقابل پرسش بزرگ قرار میداد :

آیا قرآن زبون و ناتوان شده یا ما ؟

باریك‌بینی‌درزندگینامهٔ فردی،گوشه‌ای‌ازاین‌معما راروشن می‌ساخت زیرا این‌کتاب جاودانی‌که برنامهٔ‌کار و کوشش دوجهانی می‌باشد دستاویز سودجوئیهای ناروا وبی‌پایه‌گردیده است و درراه رفع چشم زخم‌حسودان، دفع وسوسهٔ ساحران ، آمرزش خواهی مردگان ، بارور ساختن درختان پول اندوزی فالگیران وگدایان بکار میرود .

۱- سورهٔ آل عمران - آیهٔ ۱۰۳ .

این بیگانگی وبیمایگی افراد در توجه بمعارف کتاب خدا بجائی رسیده که افکار موهوم و خرافی و شرك آمیز برعقول چیره گشته و نیروی تفکر صحیح وتعقل را ازمردم بازگرفته است ونتیجهٔ بررسی استاد این بود که راه قرآن از راه ماجدا است و شکایت پیامبر رحمت بخدا بجاست که :

یارب ان قومی اتخذوا هذاالقرآن مهجوراً[۱]

(خدای من ! ملت اسلام قرآن را دور انداختند) وندای پیشوای بزرگ اسلام **حضرت علی علیه السلام** که در آخرین روزهای حیات خود فرمود : « **الله الله فی القران لایسبقنکم بالعمل به غیرکم** »[۲] فراموش شده است .

این اوج نگریها و ژرف اندیشیها استاد را باین نتیجه کشانید که باید ابناء وطن بآغوش قرآن بازگردند ودستورآن را بکار بندند. وبرای عملی کردن این تصمیم باایمان راسخ و قدمهای استوار بمفاد :

(**یثبت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاة الدنیا وفی الاخرة**)[۳]

درسال ۱۳۴۵ هجری قمری (۱۳۰۴) **مجلس تفسیر تبریز** را پی ریزی کرد و مکتب سیّار تعلیم وتفسیر قرآن را در **محلهٔ غیاث تبریز** بنیاد نهاد . نهال مجلس تفسیر که ۴۷ سال پیش بیاری خدای بزرگ با نیت پاك وارادهٔ توانای بانی آن کاشته شد اکنون درخت تناوری است که درهمه جای کشور

۱- سورهٔ فرقان آیه ۳۰ .

۲- خدارا ، خدارا ! دربارهٔ قرآن کوتاهی نکنید ، مباداکه دیگران در عمل بقرآن برشما سبقت جویند .

۳- سورهٔ ابراهیم آیهٔ ۲۷ : خداوندگروندگان را باگفتار استوار (قرآن) دردنیا وآخرت ثابت قدم می کند .

ریشه دوانده است نخستین و اساسی ترین برنامهٔ مجلس قرآن و هدفش روشن ساختن اذهان بحقائق ومعارف کتاب آسمانی بود وکتاب **«مقدمات تفسیر»** که درسال۱۳۲۳شمسی بچاپ‌رسیدباجملهٔ الهام‌بخش وآموزنده‌آن:

«قرآن برای فهمیدن است» نمایشگر قدمهای‌استوار استاد بود که ازسالها قبل در راه هدف‌مقدس برداشته و پیش می‌رفت .

بموازات این اقدام مثبت درآگاه ساختن مردم بحقائق اسلام‌وپاك کردن گوهر دین از پیرایه‌هائی که بآن بسته شده بود در افتادن با افکار گمراه‌کنندهٔ غیراسلامی نیزضروری می‌نمود لذابمطالعهٔ‌کتب یهودونصاری و سائر فرق ضاله پرداخت و با مبلغین و رهبران این فرقه‌ها مباحثات دامنه‌داری کرد و عقائد باطل آنان را رّد نمود دراین مورد از بحث‌ها و آزمونهای **آقای حاج شیخ غلامحسین تبریزی** که‌فعلاً مقیم‌مشهد هستند وهمچنین ازآثارقلمی **مرحوم آقای شیخ جواد بلاغی** استفاده‌های زیاد می‌کرد .

درقسمت علم فقه واصول عقائد نیزاز **مرحوم حاج میرزا محمود آقا دوزدوزانی** و مرحوم‌حاج**میرزا ابوالحسن‌آقا انگجی** وحضرات **آقایان حاج سید کاظم شریعتمداری** و **حاج شیخ غلامحسین تبریزی** برخوردار بوده است .

امّا تبحر و تخصّص استاد فقید در پژوهش قرآن و تفسیر آیات بود، درحقیقت‌اعتقاد وایمان بی‌حدایشان بحقائق قرآن منجر به‌نیم‌قرن ممارست و مطالعهٔ شبانه روزی و تدبر در آیات کتاب الهی گردید و چون در آن روزگار عملاً به علم تفسیر قرآن مجید چندان اعتناء نمیشد

ودراین‌مورد مدرسی نبود لذا فقید سعید، درنتیجهٔ تحقیقات‌ومطالعات مداوم خود ، به‌درجهٔ اجتهاد درفن تفسیر نائل گردیده واستاد مسلم این‌علم شناخته شده است .

چنانکه گفته شد ۴۷ سال پیش ، مجلس تفسیر تبریز را پی‌افکند و دربازارآن روز متاع قرآن سخت نارواج وکساد بود وبیان معجزآسای پیشوای متقیان حضرت علی علیه‌السلام در این مورد کاملاً مصداق پیداکرده بود که :

«وانه سیأتی علیکم من بعدی زمان لیس‌فیه شیء اخفی من الحق ولااظهر من الباطل ولااکثر من‌الکذب علی‌الله و رسوله و لیس‌عنداهل ذلك‌الزمان سلعة ابورمن‌الکتاب اذاتلی حق تلاوته ولاانفق منه اذا حرف عن مواضعه[1]» .

دراین اقدام شهامت‌آمیزبسی تلخی کشید وفراوان تهمت شنید و لیکن ازآنجائیکه دارای ایمان راستین و عزمی استوار بود بخدای توانا اعتماد وبیاری او امیدداشت. ازپای ننشست تاشمع ضعیفی‌که برافروخته بود همواره فروزانتر شد و حقیقت چهره نمود وبجائی رسیدکه امروز نه تنها در تبریز بلکه در غالب شهرهای ایران نیز مجالس تفسیر بیشماری دائر شده و در اکثر مجالس دینی درس و تفسیر قرآن گفته میشود ،

۱- نهج‌البلاغه عبده ، خطبه ۱۴۵ جزء دوم، (هان بعدازمن زمانی‌فرامیرسد که درآن، چیزی‌پنهان‌تر ازحق وآشکارتر از باطل وزیادتر از دروغ برخدا و رسول او یافت نمیشود . درنظر مردم‌آن زمان متاعی کسادتراز قرآن نتوان یافت هنگامی‌که بحق خوانده شود، و آنگاه‌که معانی‌آن تحریف شود رایجترین متاع خواهد بود).

این توفیق یعنی گشوده شدن رازها و حقائق کتاب آسمانی بروی مردم مایهٔ خوشوقتی و آرزوی بر آورده شدهٔ استاد بزرگوار و شاگردان مکتب او میباشد.

استاد ارجمند که رحمت خدا براو باد با دانشمندان روشنفکر اسلامی نظیر: **مرحوم شریعت سنگلجی ، خالصی‌زاده و عسکر آبادی** و نظائر ایشان (اعلی‌الله مقامهم) مراوده و مکاتبه و همفکری داشته است ودرضمن مسافرتهای متعددی که بشهرهای ایران مخصوصاً نواحی کردستان کرده‌اند درباره آیات‌الاحکام و عقائد باعلمای عامّه و خاصّه مباحثات و گفتگوهای مفصلی بعمل آورده است .

بانی معظم مجلس تفسیر تبریز درسال ۱۳۴۰ شمسی به تهران رفت ودرآنجا اقامت گزید وازنخستین روزهای اقامتش درس وتفسیر قرآن را دائر کرد و با همان شیوه و آگاهی و ایمان ، به‌ترویج حقائق اسلام و تعالیم قرآن پرداخت .

بالاخره این دانشمند ربّانی و مجاهد اسلام پس‌از عمری کوشش درنشر حقائق اسلام وقرآن وسیرهٔ نبی‌اکرم (ص) ، همان راه روشن وعاری ازپیرایه‌هاکه **ائمهٔ هدی (ع) و پیشوایان بزرگ اسلام** درتبلیغ وحفظ آن مجاهدتهاکردند و متحمل رنجها و شدائد شدند در روز یکشنبه ۱۶ ربیع‌الارل ۱۳۹۲ برابر بادهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ در اثر عارضهٔ قلبی در تهران برحمت ایزدی پیوست و در گورستان بهشت زهراء بخاك سپرده شد . ولی بذرثمری که باصفای دل کاشته و درتهران و تبریز نهال امید ببار آورده و پرتوافکن دلها و روشنگر افکارگشته هرگز بخاك نخواهد رفت

زیرا اصل آن درزمین و شاخه‌هایش درآسمان است :

(مثل کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء[۱])

روزی **علامهٔ فقید آقای میرزا رضی آقا زنوزی** (اعلی الله مقامه) که ازفقهای معاصر بودند وبعدها مدتی به‌تفسیرقرآن میپرداختند درگذرگاهی دست به شانهٔ استاد نهاد و سپاسگرانه خطاب باستاد گفت : « بالاخره با مساعی و پشتکاری شما راه تفسیر قرآن بروی مردم گشوده شد» . آری چه‌توفیقی بالاتر ازاین در همان مسجدی که استاد بزرگوار در اوائل کار در مقام تدریس معارف قرآن مجید بافراد معدود و فداکار مواجه با مقاومتها و تلخ‌کامیها بود اکنون صدها نفر شاهد گشوده شدن صفحات آسمانی و تفهیم مطالب آن بمردم هستند .

آری استاد بمراد خود رسیده بود زیرا با چشم خود میدید وبا گوش خود می‌شنیدکه عده‌ای ازدانشمندان روشن‌فکر پس‌از سالها با او همراز وهم‌آواز شده‌اند که :

« قرآن برای فهمیدن است » .

۱ــ سورهٔ ابراهیم ــ آیهٔ ۲۴ (سخن پاك چون درخت پاکیزه‌ای‌است که ریشهٔ آن پایدار و شاخهٔ آن درآسمان است .

افکار استاد

بطور اختصار به هدفها و برنامهٔ کار آن دانشمند بزرگ اشارتی میرود[۱] .

۱ـ استاد عقیدهٔ راسخ داشت که **قرآن مجید مستقلُ بالفهم** است و درتفسیر آیات باخبار و شأن نزولها اعتماد کلی نمیتوان کرد و در این مورد درکتاب مقدمات تفسیر صفحهٔ ۳۳ (چاپ۱۳۲۳) چنین میگوید: «یکی دیگر از تفسیر بحق تفسیر پارهٔ احکامی است که قرآن مجید آنها را شرح نفرموده مانند ربا و ترتیبات و رکعات نماز و آنها را پیغمبر اکرم(ص) و بعد ازاوپیشوایان دین بواسطهٔ احادیث پیغمبر (ص) بما شرح فرموده‌اند . واینگونه تفسیر، تفصیل دادن جزئیات فقه است که درقرآن موجود نیست واین قسم تفسیر اگر با اخبار متواتره و در صورت نبودن آن با اخباری که اطمینان آور است مخالف نباشد تفسیر برأی نیست بلکه تفسیربحق است وما هم بدان احتیاج داریم و پوشیده نماندکه در قرآن در بارهٔ عقائد واصول فقه چیزی فروگذار نکرده واحتیاج اساسی ما باخبار در بارهٔ فقه در جزئیات آن است . و البته ما می‌توانیم غیر از جزئیات فقه پاره‌ای مزایای قرآن وشرح و توضیح آن را ازپارهٔ اخبار

۱ـ این قسمت بطور خلاصه و فهرست‌وار بیان شده‌است که هر کدام ازموضوعات ، بحث مفصلی‌را شامل‌است واین مختصر ، اقتضاء و گنجایش شرح و بسط آن را ندارد .

صحیحه استفاده کنیم مانند جملات نهج البلاغه در خطبهٔ اشباح که آیهٔ محکمات و متشابهات را خیلی خوب ومتین شرح وتوضیح می‌کند و ما آن را درمبحث محکمات ومتشابهات نقل کرده‌ایم.

درمورد**شأن نزولها** نیزدرمقدمهٔ **تفسیرآیات مشکله** (چاپ۱۳۳۹) صفحهٔ ۸ چنین میگوید: «شأن نزولهائی‌که درتفسیر برخی از آیات نقل کرده‌اند غالباً ضعیف ومتناقض میباشد وگاهی شأن نزولهائی دیده‌میشود که توهین به‌مقام قرآن است لذا اینگونه شأن نزولها نباید ذهن مفسر را مشوب‌کند بلکه قبل‌از توجه بشأن نزولها ما میتوانیم معانی‌آیات را مستقلادرك‌کنیم وپس‌از آن‌بشأن‌نزولی‌که درآن‌خصوص‌وارد شده رجوع کنیم اگر با مفهوم آیه مطابق شد چه بهتر وگرنه قابل قبول نخواهدبود»

برای توضیح بیشتر میگوئیم مراد از مستقل بالفهم **بودن** قرآن این‌است‌که درتفسیر آیات قرآن مجید پیش‌از هرچیز باید بخودقرآن توجه داشت و پیش و پس آیات و ارتباط آنها را همواره در نظر داشت و با توجه به‌بیان صریح قرآن (**بلسان عربی مبین**) باید طبق موازین و قواعد صرف ونحو عربی ومعیارهای معانی و بیان وفصاحت وبلاغت و با توجه به‌مواردا‌ستعمال کلمات ولغات‌واصطلاحات عربی، قرآن را ترجمه و تفسیر نمود و در این مورد باید از بکاربردن تعصبات مذهبی وتأویل و تفسیر برای دوری‌گزید وازآنجائیکه تفسیر قرآن درگذشته نیز ازاین شوائب دور نبوده با حفظ احترام به سعی وکوشش دانشمندان در تدوین کتب‌تفسیر که پژوهنده را درآگاهی‌ازمفاهیم ومزایای‌آیات، یاری‌خواهد

کرد از اعتماد چشم بسته وکورکورانه باقوال مفسرین باید اجتناب کرد.

استاد در کتاب **مقدمات تفسیر** پس از بحث کافی در این مورد در صفحهٔ ۴۸ چنین نتیجه می‌گیرد :

« اشتباه نشود در آنجائیکه ما گفتیم خود قرآنرا مطالعه کنند اینطور تصور نشودکه منظور ما اینست که به اخبار وتفاسیر ابداً رجوع نکنند و بر علماء تفسیر اعتنائی ننماید و چه بسا در اخبار و تفاسیر نکات و مزایائی در خصوص آیات وجود دارد که در وهلهٔ اول از خود آیات بنظر ما نمیآید و بامراجعه بآنها بآن نکات متوجه بوده و استفاده می‌کنیم .

بلکه منظور ما این استکه در تحت تأثیر مستقیم اخبار واقوال واقع نگشته و از مقصود آیات خارج نشویم و همواره قرآن را اصل قرار دهیم نه تفاسیر و اخبار را » .

۲ـ **آیات هرسوره مرتب نازل شده است** ، بدین معنی که پیش از اینکه سوره‌ای تماماً نازل نشده آیه‌ای یاآیاتی ازسورهٔدیگر نازل نشده است و تقدیم وتأخیری درآیات یك سوره وجود ندارد وآیاتی از قرآن نیز مانند :

«سورة انزلناها وفرضناها و انزلنا فیها آیات بینات[1]»

و یا مانند :

۱ـ نور-آیهٔ ۱ : (این سوره‌ای استکه نازل کردیم واحکام آن را برشما واجب نمودیم ودرآن آیات روشنی فرود آوردیم) .

«وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله[۱]» مؤید این معنی است که آیات سوره‌های قرآن مرتب نازل شده ودر زمان نبی اکرم (ص) جمع و مدون بوده است .

وهمچنین نمیتوان معتقد بود که درمیان آیات سورهٔ مکی ، آیات مدنی ویا درمیان سورهٔ مدنی آیات مکی وجود داشته باشد . برای نمونه ومثال یکی ازمواردی راکه **زمخشری صاحب تفسیر کشاف** ودیگران در تقدیم و تأخیر آیات قرآن شاهد آورده‌اند دراینجا ذکر می‌کنیم :

این مفسرین میگویند که **عدهٔ وفات** بموجب آیهٔ ۲۴۰ بقره یك سال بوده و بعداز آن بمفاد آیهٔ ۲۳۴ همان‌سوره، عده وفات چهارماه و ده روز تعیین شده است و بزعم ایشان چون آیهٔ ناسخ پیش از آیهٔ منسوخ در قرآن درج شده است لذا به تقدیم و تأخیر در جمع آوری آیات معتقد شده‌اند درصورتی که باتوجه به دو آیهٔ فوق معلوم میشودکه اصولاً موضوع ناسخ و منسوخ دراین دوآیه وجود ندارد بلکه هرکدام حکم جداگانه‌ای را بیان میکند بدین‌ترتیب که آیهٔ ۲۳۴ بقره حکم عدهٔ وفات‌را بیان میکند وآیهٔ ۲۴۰ همان سوره میگوید : مردان درخصوص زنانشان وصیت‌کنند که یکسال پس‌از فوت‌آنان (شوهران) درخانهٔ شوهرانشان بمانند وازمال آنان بهره‌مند و متمتع باشند[۲].

۱ــ بقره-۲۲ : (اگر درآنچه به بندهٔ خود (محمدص) فرودآوردیم شك و تردید داشته باشید سوره‌ای مانند آن را بیاورید) .

۲ــ برای توضیح بیشتر به‌تفسیر آیات مشکله ازصفحهٔ ۹۲ تا ۹۵ رجوع فرمائید .

درسائر موارد نیز که به‌تقدیم وتأخیر یا بوجودآیات مکّی درمیان سوره‌های مدنی ویابالعکس استدلال کرده‌اند همگی مشابه وهمانند مطلب فوق میباشدکه نمیتوان به‌صحت وجودآنها باورکرد .

۳ـ قرآن مجید درطول تاریخ یعنی ازآغاز اسلام تاحال ازهرنوع دستخوردگی وتحریف دورمانده‌است **وهرقول وخبری که دال برتحریف قرآن باشد جداً باطل و مطرود است** بنابراین، اعتقاد راسخ این‌است که قرآن باهمین کیفیت وبا همین متن‌واعراب که امروز دردست مسلمانان میباشد به‌پیغمبر (ص) نازل شده و **اختلاف قرائت نیز درهیچ یك از آیات وکلمات قرآن جائز نیست** ، ومحفوظ ماندن‌قرآن اعم‌ازتحریف واختلاف قرائت از وعده‌های پروردگار است :

«انانحن نزلنا الذکر و اناله لحافظون[1]»

۴ـ تنها باچنگ زدن برشتهٔ قرآن ، میتوان اختلافات شایع‌بین مسلمانان را حل کرد و این امید وقتی بمرحلهٔ تحقق و عمل میرسد که عقائد و افکار مسلمانان با قرآن مجید مطابق باشد .

چون هدف قرآن ، **رفع اختلافات بین فرق اسلامی** ومسلمین است با توجه بحکم **(ان الدین عندالله الاسلام)** باید همهٔ مسلمانان تحت کلمهٔ **(اسلام)** گردآیند و **همان راه وروشی راکه امام علی ع بعداز پیامبر بزرگوار اسلام برای حفظ وحدت جامعهٔ اسلامی انتخاب‌کرد برگزینند** وبدین‌ترتیب‌از

۱ـ سورهٔ حجرآیه ۱۴ : «همانا ماقرآن را نازل‌کردیم و مسلماً ما حافظ آن خواهیم بود» .

طرح و بحث مسائل جزئی و تاریخی که عملاً جز خلاف افکنی و ایجاد تشتت و تضعیف نیروی مسلمانان فایده‌ای ندارد خودداری شود.

۵ـ **عقائد وکلیات احکام اسلام** در قرآن مجید بصراحت بیان شده است بنابراین هرمسلمان باید افکار دینی خود را از این سرچشمه اخذ نماید و مسلماً احکام قرآن از زمان نزول تا روز رستاخیز تعطیل بردار نیست. درمورد عقائدواحکامی‌که درقرآن‌تصریح شده‌است تقلیدجائز نیست وپیروی ازدستورات قرآن بر هرفرد مسلمان لازم است لذا در احکامی‌که فقهای اسلامی باهمدیگر اختلاف‌نظر داشته‌باشند مسلماً فتوائی‌که مطابق باصراحت و ظهور قرآن مجید بوده باشد مرجح واصح خواهد بودمانند حکم پرداخت زکات از تمام درآمد های مشروع و از تمام محصولات که مطابق باصراحت‌آیهٔ : **یاایهاالذین آمنوا انفقوا من‌طیبات ماکسبتم ومما اخرجنالکم من‌الارض**(بقره-۲۶۷)میباشدویاسهم‌الارث زوجه که‌بموجب‌آیهٔ: **(ولهن‌الربع مماترکتم ان‌لم‌یکن لکم‌ولدوان‌کان‌لکم ولدفلهن الثمن مماترکتم...)** ۱/۴ و یا ۱/۸ ازتمام ماترك شوهر اعم ازمنقول و غیرمنقول وعرصه واعیان باید پرداخت شود[1].

همچنین‌است‌حکم وجوب‌نماز جمعه‌که عدهٔ بیشتری‌ازفقهای‌بزرگ شیعه مانند مرحوم **آقای حاج سید محمدتقی خوانساری** (اعلی‌اه مقامه) که

۱ــ عده‌ای ازفقهای شیعه نیز مطابق نظریهٔ فوق فتوی داده‌اند مانند: **علامهٔ فقید خالصی‌زاده** و **استاد محمدتقی جعفری** در(کتاب منابع فقه) درمورد زکات ،و **ابن‌جنید** ، **ابن‌عقیل** و **صدوق** و **علامهٔ لاهوتی** (بدایع نگار) درمورد سهم‌الارث زوجه‌که از تمام ماترك دانسته‌اند (نقل‌ازکتاب بدائع الاحکام‌لاهوتی صفحهٔ ۲۴۲). و **خالصی‌زاده** در وصیتنامه .

بموجب آیهٔ (**یاایهاالذین‌آمنوا اذانودی للصلوة من‌یوم‌الجمعة فاسعوا الی‌ذکر الله وذروالبیع**) بوجوب‌عینی نمازجمعه درهرعصرفتوی داده‌اند. ومذاهب اربعه (اهل تسنن) که درمورد عدهٔ وفات زن حامله، وضع‌حمل را اگرچه پیش‌از چهار ماه وده‌روز باشد پایان عدهٔ تلقی میکنند برخلاف نص صریح قرآن مجید میباشد و باید از حکم **ابعدالاجلین** که **مطابق قرآن و فتوی مذهب جعفری** است پیروی نمایند و با وجود صراحت قرآن نباید بخبر واحد استناد وعمل نمایند[1].

۶ـ **اخباری** که ازطریق عامّه وخاصّه (سنّی و شیعه) **بدست ما** رسیده باید بقرآن نشان داده‌شود، بنابراین، لازم‌است عده‌ای‌ازدانشمندان اسلامی باآشنائی‌کامل بقرآن مجید، ودور ازهرنوع تعصب، اخبار صحیح را از میان اخبار مجعول جداکنند و آنچه از اخبار مخالف قرآن مجید بوده باشد مطرود شناخته گردد.

این امر دستور قرآن و پیامبراکرم(ص) وائمهٔ‌بزرگوار (علیهم‌السلام) می‌باشد:

الف ـ **قال‌النبی(ص) ماجائکم عنی‌مالایوافق‌القرآن‌فلم‌اقله(پیامبر(ص) فرمود:**

(آن خبری‌که از جانب من بشما رسد وموافق قرآن نباشد من آن را نگفته‌ام).

ب ـ **قال ابوجعفر و ابو عبدالله (ع): لایصدق علینا الامایوافق‌کتاب الله وسنة نبیه (حضرت‌امام محمدباقروامام جعفر صادق علیهماالسلام‌میفرمایند:**

۱ـ این چند مورد بعنوان مثال ذکر شد وهمین روش درکلیهٔ احکامی‌که در قرآن بطور صریح بیان شده است باید رعایت شود.

(نباید خبری برما تصدیق ونسبت داده شود مگرآنکه مضمونش موافق باکتاب خدا و مطابق با سنت پیامبر(ص) باشد) .

ج - **قال الصادق (ع) ما جائکم من حدیث لایصدقه کتاب الله فهو باطل)**
حضرت امام جعفر صادق (ع) میفرماید :

(هرحدیثی که کتاب خدا آن را تصدیق نفرماید باطل است)[1].

۷- قرآن مجید **قطعی الصدور وقطعی الدلاله** است و نظریهٔ قطعی الصدور وظنی الدلاله بودن قرآن مطلقاً قابل قبول نیست. بااینکه غالب علمای اسلامی اعم از عامه و خاصه به حجیت قرآن اعتقاد دارند ولی بسا دیده میشود که در عمل ، یك خبر واحد را بیش از آیات صریح قرآن مورد توجه قرار میدهند (در این مورد در صفحات پیش نیز اشارتی رفته است) و این از جمله نکاتی است که باید توجه علماء وفقهای اسلامی بآن معطوف شود زیرا قرآن کتاب اساسی اسلام و محك آزمایش افکار واندیشه‌ها و ملاك عمل مسلمانان است .

در مورد حجیت ظواهر قرآن **حضرت آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی** در مقدمهٔ جلد اول تفسیر (**البیان**) از صفحهٔ ۱۸۲ تا ۱۸۸ مطالب بسیار مستدل و ارزنده‌ای را بیان می‌کند و در پایان همان فصل چنین نتیجه می‌گیرد :

«ونتیجة ما تقدم انه لابد من العمل بظواهر القرآن وانه الاساس للشریعة و ان السنة المحکیة لایعمل بها اذا کانت مخالفة له) .

۱- برای مزید اطلاع دربارهٔ اینگونه احادیث معتبر (نشان دادن اخبار بقرآن) به صفحات ۶۸ تا ۷۰ رسائل مراجعه فرمائید .

(یعنی نتیجهٔ دلائلی که ذکر شد این است که ناچار باید بظواهر قرآن عمل شود زیرا آن، اساس شریعت اسلامی است و سنت و اخباری که مخالف قرآن باشد قابل اعتناء و عمل نیست) .

۸ـ در مورد **ناسخ و منسوخ** در قرآن: نظر استاد این بودکه جز چند حکم معدود از جمله پرداخت صدقه هنگام نجوی با پیغمبر (ص) و یا تخفیف و حذف نماز شب از مؤمنان که بوسیلهٔ آیات بعدی منسوخ شده است، در قرآن مجید ناسخ و منسوخ بآن وسعت و معنی که عده‌ای معتقد هستند وجود ندارد.

این موضوع که آیا خبر میتواند صراحت قرآن را نسخ نماید مورد بحث و گفتگو مابین علمای اسلامی است، نظر استاد دراین خصوص این بوده که آیات قرآن میتواند یك حکم دیگری را در خود قرآن یا حدیث آمده است نسخ ویا تکمیل کند و اگر حدیثی، حدیث دیگری را نسخ نماید مانعی بر آن نیست ولی نسخ وتخصیص وتقیید آیه بوسیلهٔ خبر و حدیث ، بعید و غیر ممکن است .

۹ـ در مورد **محکمات و متشابهات** در قرآن ، استاد فقید رسالهٔ جداگانه‌ای تألیف کرده‌که درآن مسألهٔ مزبور را با دلائل کافی بااستفاده از آیات و اخبار و نهج‌البلاغه مطرح وبحث نموده و اثبات کرده‌است که معانی تمام آیات قرآن قابل درك است و مراد از متشابهات این نیست که معنای عبارتی را نمیتوان دریافت ،

بلکه‌منظور ازمتشابهات عبارت‌است ازکیفیت ذات وصفات خدا

و چگونگی معاد و عوالم روح و جن و فرشتگان و اسرار خلقت که ما نمی‌توانیم به کشف آنها موفق شویم و چاره‌ای جز ایمان و اقرار به واقعیت آنها نداریم . چنانکه خداوند میفرماید :

« والراسخون فی‌العلم یقولون آمنا به‌کل من عند ربنا[1]»

(آنان‌که در دانش و ایمان استوارند میگویند: پروردگارا! بآن ایمان آوردیم ، همگی آنها از سوی خدای ماست) .

حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز موضوع متشابهات و راسخون در علم را با بیانی عالی در جواب پرسش کسی که از کیفیت خدا سؤال کرده بود به وجه عالیتری شرح و تفسیر فرموده که گفتار ما را تأیید می‌کند :

« فانظر ایها السائل فما دلك القران علیه من صفته فائتم به واستضیء بنور هدایته وما کلفك الشیطان علمه ممالیس فی‌الکتاب علیك فرضه ولافی سنة النبی صلی‌الله علیه واله و ائمةالهدی اثره فکل علمه الی الله سبحانه فان ذلك منتهی حق‌الله علیك و اعلم ان الراسخین فی‌العلم هم الذین اغناهم عن اقتحام السدد المضروبة دون الغیوب الاقرار[2] بجملة ماجهلوا تفسیره من الغیب المحجوب فمدح الله اعترافهم بالعجز عن تناول مالم یحیطوا به علماً وسمی ترکهم التعمق فیمالم یکلفهم البحث عن کنهه رسوخا فاقتصر علی ذلك ولاتقدر عظمةالله سبحانه علی‌قدر عقلك فتکون من‌الهالکین ».

۱ــ (آل‌عمران-۶) .

۲ــ «الاقرار» فاعل «اغناهم» است .

ترجمه : ای پرسنده بنگر ، آنچه را که قرآن دربارهٔ صفت خداوند رهنمائیت می‌کند پیروی نمای و از نور هدایت آن ، روشنی طلب‌کن ، و آنچه راکه شیطان دانش‌آنرا برتو تکلیف‌کرد ـ ازمطالبی که نه درکتاب خدا وجوب‌آن برتو فرض است ونه اثرآن درسنت پیامبر و ائمهٔ هدی(ع) وجود دارد ـ دانش‌آن‌را به‌خدای پاك موکول‌دارکه این برتو آخرین حق خداست ، و بدان **راسخان درعلم** کسانی هستند که اقرارشان باینکه راهی به‌کشف امور غیبی ندارند موجب‌شدکه آنان را از ورود به موانع و پرده‌هائی‌که در برابر پنهانیها زده شده است، بی‌نیاز سازد. پس خداوند اعتراف آنان را به عجز و ناتوانی خودشان در وصول به‌آنچه احاطهٔ علمی ندارند، مدح و ستایش کرد و همین امر را (ترك غور و تحقیق در مسائل غیبی را) که مکلف به بحث و مجادله از کنه و ذات آن نبودند ، **رسوخ در ایمان** نامید پس بدین مقدار کفایت کن و عظمت خدا را با میزان عقل و خرد خود سنجش منمای که در این صورت بدبخت و هلاك خواهی بود .

بطوریکه ملاحظه میشود حضرت علی (ع) دراین پاسخ، موضوع متشابهات و امور غیبی را کاملا تشریح می‌کند وتکلیف ایمان‌آورندگان را دربرابرآنها روشن مینماید وکسانی را که دارای‌چنین ایمان و صفتی باشند **راسخ در علم** مینامد و از این بیان‌امام(ع)ثابت‌میشودکه راسخون در علم انحصار به پیامبران و امامان (ع) ندارد بلکه هرفرد مؤمنی از مسلمانان چنین ایمانی به مسائل غیبی داشته باشد از نظر امام (ع)

راسخ درعلم‌شناخته میشودومیتوان‌گفت‌که حضرت علی(ع)آیهٔ متشابهات را بااین‌بیان عالی شرح وتفسیر فرموده‌اند . درقرآن مجید به‌دانشمندان یهود نیز **راسخون در علم** گفته شده است :

« فبظلم من‌الذین هادوا حرمنا علیهم طیبات احلت لهم... لکن‌الراسخون‌فی‌العلم‌منهم‌یؤمنون‌بماانزل‌الیك‌وماانزل‌من‌قبلك[1] »

(پس درنتیجهٔ ظلم کسانی‌که یهودی شدند پاکیزه‌هائی راکه بایشان حلال شده بود حرام‌کردیم... ولی‌کسانی‌که ازایشان «یهود» راسخون در علم‌اند (ایمان کامل دارند) ، آنچه را که به‌تو وپیش ازتونازل‌شده است باور میدارند) .

آیهٔ فوق نیز تأیید می‌کندکه (راسخون درعلم) درقرآن مجید ، درخصوص عدهٔ معدودی بیان نشده است حتی به‌علمای یهود نیزکه پیامبر و قرآن را می‌پذیرند **راسخون در علم** گفته شده است[2] .

۱۰ــ **معاش مبلغین اسلامی** باید بوجه آبرومندی تأمین شود تا در بیان حقائق و صراحت گفتار ، پروا و ملاحظهٔ چیزی و کسی جز خدای قاهر وتوانا را نکنند و با درنظرگرفتن وظیفهٔ سنگینی‌که بعهده دارند و در روز رستاخیز در پیشگاه الهی مسؤول خواهند بود حقائق قرآن را کتمان ننمایند .

۱۱ــ بدون هیچ ملاحظه باید اقرار کرد که **عقائد مسلمانان** با

۱ــ سورهٔ نساء آیهٔ ۱۶۰ و ۱۶۱

۲ــ برای بررسی بیشتر دراین‌مسأله به‌کتاب محکمات ومتشابهات درقرآن یا مقدمات تفسیر تألیف استاد فقید رجوع فرمائید .

مقدار زیادی از خرافات و بدعتها که با نص قرآن ناسازگار است، آمیخته شده، ازاین‌جمله‌است عقیدهٔغلوآمیزعده‌ای ازمسلمانان درمورد پیشوایان بزرگوار اسلام، و با علم باینکه اسلام دین توحید محض است و در تمام موارد، تنها خداوند باید مستعان باشد، در مواردی ناآگاهانه از اشخاص و حتی قبور و سائر اشیاءِ استعانت میشود، قرآن صریحاً انبیاء را بعنوان بندگان مقرب وگرامی خداوند معرفی می‌کندکه فقط درمواردی با وحی‌الهی از مسائل‌غیبی آگاه‌میشوند و هرعقیده‌ای‌که غیر از این بوده باشد با قرآن سازگار نیست. با توجه به دعاهای قرآن که از لسان انبیاء و مؤمنان بیان شده‌است خداوند راه دعارا به‌مسلمانان تعلیم می‌فرماید که مستقیماً در مقام دعا، از پروردگار مهربان استعانت کنند:

ربنا آتنا فی‌الدنیا حسنة ... «بقره - ۲۰۱»

ربنا لاتزغ قلوبنا بعد اذهدیتنا ... «آل‌عمران - ۸»

رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر ... «قصص - ۲۴»

رب اجعلنی مقیم‌الصلوة و من ذریتی ... «ابراهیم - ۴۰»

ربنا ظلمنا انفسنا ... «اعراف - ۲۳»

ربنا هب لنامن ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین ...[1] «فرقان - ۷۴»

و آیات بیشتری مانند آیات مزبور همگی روشن کنندهٔ این حقیقت است‌که مسلمانان در مقام دعا مستقیماً باید خدای مهربان را

۱ـ در این مورد به‌کتاب سودمند (دعاهای قرآن) باترجمهٔ آیات، تألیف آقای غلامحسین نورمحمدی (از انتشارات محمدی چاپ تهران» رجوع فرمائید.

تا واقعاً معنای « **ایاك نعبد و ایاك نستعین**[۱] » که چند بار آن را در نماز تکرار می‌کنند مصداق پیدا کند.

۱۲ـ بموازات معرفی اسلام اصیل و بدون پیرایه بجامعه، باید با مسلکهائی که باروح اسلام سازگاری ندارد ولی باسلام انتساب می‌جویند، رفتاری اصولی و معارضه‌ای منطقی در پیش گرفته‌شود وهمچنین با آگاهی کامل از افکار و عقائد مادیها ـ یهودیها ـ مسیحی‌ها وسایر فرق غیر اسلامی با پیروان آنها بطریقی نیکو محاجه و مباحثه شود.

برای اینکه، یگانگی و اتحاد و عظمت اسلام در جامعۀ اسلامی متجلی شود لازم است در بزرگداشت شعائر اسلامی برطبق دستورات مؤکد و سیرۀ نبی‌اکرم (ص) کوششی بسزا معمول گردد و نسبت به **انجام فریضۀ حج و اقامۀ نماز جمعه و تعظیم عیدین عظیم‌اسلامی «فطر واضحی»** عنایت جدی و مراقبت کامل شود.

آثار و تألیفات استاد

۱ـ محکمات و متشابهات در قرآن

۲ـ مقدمات تفسیر

۳ـ تفسیر جمعه و منافقون

۴ـ تفسیر آیات مشکله

۵ـ علاوه بر کتابهای بالا، از این عالم ربانی که در رشتۀ تفسیر قرآن، استاد مسلّم شناخته‌شده‌است، یك دوره‌تفسیر به‌صورت یادداشتهای پرارجی بجای مانده که بخواست و یاری خدا وبهمت علاقه‌مندان استاد

۱ـ آوردن (ایاك) پیش‌از فعل، انحصار را میرساند یعنی: خدایا تنها ترامی‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم.

فقید، به تنظیم و چاپ آن اقدام خواهد شد.

۶ـ « **تناقضات پیمان و پرچم** » که بقلم یکی از دوستان استاد با استفاده از یادداشتهای ارزندهٔ ایشان در مورد **وارونه گوئیهای کسروی** و عقائد باطل او چاپ و منتشر شده است.

ازفقید سعید شش‌پسر وچهار دختر بجای مانده‌است. فرزند ارشد آن مرحوم **آقای دکتر جعفر شعار استاد دانشگاه تهران** است که زبان عربی و فقه و تفسیر را از محضرپدر بزرگوارش‌کسب‌کرده وخودصاحب تألیفات و ترجمه و تحقیقات زیادی در موضوعات دینی، عربی، ادب پارسی و تاریخی است.

از پروردگار بزرگ و مهربان، برای این عالِم ربّانی و مجاهد اسلام، درجات عالی دربهشت برین مسألت داریم و به برادران با ایمان و فداکار که با تحمل‌شدائد وسختیهای ناگوار در راه‌پیشرفت مرام مقدس قرآن، فقید سعید را یاری کرده و بدار آخرت شتافته‌اند درود وتحیت می‌فرستیم وامیدواریم جامعهٔ اسلامی ومسلمانان باتمسك به‌قرآن‌مجید و سیرهٔ پیغمبر اکرم (ص) وتوجه به‌حقائق اسلام، اتحاد وعظمت دیرینهٔ خود را باز یابند. (**آمین یا رب‌العالمین**).

گام برمی‌دارند همکاری و همفکری علمی و عملی خواهد داشت.

چنانکه **دانشمند محترم جناب آقای حیدر علی قلمداران** در نامه‌ای که از (قم) به‌عنوان تسلیت ارسال داشته‌اند چنین می‌نویسند:

«خبر مؤلم و جانگداز فوت مصلح معظم ودانشمند اعظم‌حضرت آقای حاج یوسف شعار اسکنه‌الله فی‌الجنة و حشره الله مع‌النبی وائمة‌ـ الاطهار موجب بسی اندوه و حزن فراوان‌گردید. تاریخ حیات سراسر مجاهده و پرافتخار مرحوم شعار نمونهٔ دیگری از مبارزات برگزیدگان خدا با جهل و خرافات و بدعتها و موهومات بود و نتیجه وبهره‌اش‌همان است‌که انبیاء و اولیاء ازکوششها و مجاهدات خودگرفتند. امیداست‌که آثار آن الی‌الابد باقی و پایدار باشد باری اکنون تأسف و تلهف دراین مصیبت عظمی نتیجه‌ای ندارد مگرآنکه انگیزه شود که چراغ هدایتی که بدست‌آن مصلح عظیم‌الشأن روشن‌شده همچنان‌نورپاشی کرده وموجب هدایت دیگران شود».

امیدواریم علما و پیشوایان ما بیش از پیش باهمیت موضوع و مقتضیات زمان ولزوم وضرورت آراستن تیپ‌جوان ودانش‌پژوه بامعارف اصیل اسلامی بذل توجه فرمایند.

این نکته غیرقابل انکار است که فرزندان افراطی امروز اولاد بلافصل‌تفریطی‌های دیروزاند وعکس‌العمل‌باورهای نااستوار وپندارهای بی‌پایه، بصورت تند و هولناك در اذهان ساده دلان نمودار خواهد شد و خطرات و نتایج نامطلوب چنین پدیده‌ها کاملا واضح و روشن است و

نیازی به بیان و توضیح ندارد .

از پروردگار توانا برای این عالِم ربانی ومصلح بزرگ، درجات عالی می‌طلبیم و برای تمام مروجین کتاب مقدس اسلام و بیان کنندگان حقیقت دین در راه احیای مجد و عظمت ملت اسلام با پیروی از نصوص قرآن کریم و سیرهٔ پیامبر بزرگ اسلام (صلی‌الله علیه وآله وسلم) توفیق خدمت خواستاریم.

والسلام علی من اتبع الهدی .

ربنا اغفرلنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان «حشر - ۱۱»

(پروردگارا! ما و آنان را که در ایمان، برما پیشی گرفتند ببخشای).

خرداد ماه ۱۳۵۱ - **مجلس تفسیر تبریز**



یادآوری

این زندگینامه که کلیات آن در سال (۱۳۴۹ شمسی) با نظر خود استاد تهیه شده بود با اضافات و توضیحاتی چند ، بدینگونه که می‌بینید در دسترس خوانندگان محترم قرارگرفت .

از دانشمندان و علمای اسلامی و برادران دینی تقاضا می‌شود که این نوشته را باکمال دقت بخوانند و در مطالب آن بیندیشند و پس ازمطالعهٔ آثار وتألیفات فقید سعید بامنطق وخرد داوری‌کنندکه‌این وظیفهٔ هرفردمسلمان است:

« الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه » «قرآن مجید»

(بندگان با ایمان خدا کسانی هستند که سخن را میشنوند و بهترینش را می‌پذیرند) .

در رثای استاد

علامهٔ فقید و مفسر شهیر قرآن مجید (حاج یوسف شعار)

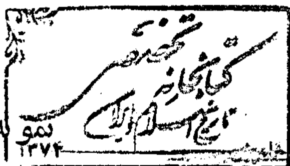
دردا که پاسدار دیانت رفت — معیار راستین امانت رفت
آن «یوسف» عزیز مسیحا دم — دستانسرای باغ شریعت رفت
خشکید سرو باغ حقیقت زانك — آن باغبان حق و حقیقت رفت
خوشید چشمهٔ شرف و رادی — کان مظهر شرافت و عزت رفت
تقوی، شعار وعلم، دثارش بود — کاوخ که آن فرشتهٔ رحمت رفت
علامه و مفسر بی‌همتا — استادبحث وفحص و بلاغت رفت
دریای حق پرستی و حق‌گویی — کانون‌صدق وکان وصداقت رفت
چون‌کوه، پایدار عقیدت داشت — آن کوه استوار عقیدت رفت
ایمان وعزم محکم و ستوارش — هرگز نیافت‌سستی‌ورخوت رفت
تا بود در طریق پیمبر بود — تارفت زین‌خجسته طریقت رفت
یوسف مثال، پاك و منزه بود — گرچه بسی‌عداوت و تهمت رفت
افزون ز نیم قرن هدایت کرد — افسوس‌کان چراغ هدایت رفت
درهم شکست لشکر موهومات — از پا فکند دیو جهالت، رفت
بنیان نهاد «مجلس قرآن» را — وندر ره هدایت و دعوت رفت
از مجلس قرائت و تفسیرش — خدمت به‌دین به‌حد نهایت رفت
وین بزم دین به همت فرزندان — برپا بود چنانکه وصیت رفت

* * *

تبریز گو منال از این ماتم — کاندر کمال عزت وحرمت رفت
پاس‌گلاب دلکش وخوشبودار — اکنون‌که‌گل زباغ به‌غارت رفت
بر خاطر من و همه شاگردان — افزود درد ورنج‌ومصیبت رفت
مرگ «شعار» مرگ فضیلت‌بود — دردا که این شعار فضیلت رفت

از ما بر او درود و تحیت باد
کاندر خور درود وتحیت رفت

تهران - یازدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۱ - دکتر حسن احمدی



نمونه‌ای از خط استاد

مغنی

۲۰۴

باب اول مغنی اللبیب (خط عبدالرحیم مطبوعه ۱۲۹۲)

شرح اما

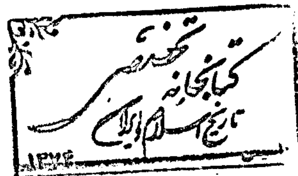
صفحه ۲۹ واما التفصیل فهو غالب حالها کما تقدم فی آیة البقرة ومن ذلک واما السفینة
فکانت لمساکین واما الغلام واما الجدار الآیات وقد یترک تکرارها استغناء بذکر احد القسمین
عن الآخر او بکلام یذکر بعدها فی موضع ذلک القسم فالاول نحو یا ایها الناس قد جاءکم برهان من
ربکم وانزلنا الیکم نورا مبینا فاما الذین آمنوا بالله واعتصموا به فسیدخلهم فی رحمة منه وفضل ای واما الذین
کفروا بالله فلهم کذا وکذا والثانی نحو هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمات هن ام الکتاب
واخر متشابهات فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویله ای واما
غیرهم فیؤمنون به ویکلون معناه الی ربهم ویدل علی ذلک والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا
ای کل من المتشابه والمحکم من عند الله والایمان بهما واجب وکانه قیل واما الراسخون فی العلم فیقولون
وهذه الآیة فی اما المفتوحة نظیر قولک فی اما المکسورة اما ان تنطق بخیر واما فاسکت وسیاتی ذلک
کذا ظهر لی وعلی هذا فالوقف علی الا الله وهذا المعنی هو المشار الیه فی آیة البقرة السابقة فتاملها

این متن که از « یادداشتهای ارزندهٔ استاد » انتخاب شده صفحه‌ای است از مطالب کتاب « مغنی‌اللبیب » در بارهٔ شرح « امای تفصیلیه » که فقید سعید در رسالهٔ « محکمات و متشابهات درقرآن » ازهمین قاعده به‌صحت گفتار خود استدلال کرده است.



این پیکره درسالهای اخیر (۱۳۴۸ شمسی) برداشته شده است

پایان زندگانی هر کس به مرگ اوست　　جز مرد حق که مرگ وی آغاز زندگی است



فهرست زندگینامه